

منتقل میشوند قانون مدت اقامت در دارالمجانبین را جزو مدت محکومیت محسوب دانته است .

جنون عبارت از چیست :

راجع به جنون قوانین اروپائی را می توان به دسته تقسیم نمود . در قوانین دسته اول بدون اینکه علل سلب مسئولیت را بطور کلی معین نموده باشند تنها قید کرده اند که اختلال قوای دماغی حالت جرمیت عمل ارتکابی را از بین میبرد (قوانین ایتالیا و هلند و آلمان) . در قوانین دسته دوم پیش بینی شده که جنون عبارت از چیست و در چه مواقع وجود خارجی دارد (قانون انگلیسی) در قوانین دسته سوم قید شده که جنون مسئولیت را زایل مینماید بدون اینکه تعریفی از جنون شده باشد (مثل قانون فرانسه) . جنون عبارت از زوال عقل و عدم التفات اعمال ارتکابی و نتایج حاصله از آن است لفظ جنون معنای اخص دارد در صورتیکه لفظ اختلال مشاعر عمومیت دارد و شامل تمام مواردی می شود که حفاً در اثر عدم التفات مسئولیت شخص زایل می شود .

قانون مجازات عمومی در ماده ۴۰ هر دو لفظ را استعمال نموده است : (کسی که در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد مجرم محسوب نمی شود و مجازات نخواهد داشت ولی در صورت بقای - جنون باید بدارالمجانبین تسلیم شود) .

حال باید دید آیا زوال موقتی قوای دماغی مثل موارد مستی و بیهوشی و هپنوتیزم و غیره داخل در مفهوم ماده فوق میباشد ممکن است در نظر اول اینطور استدلال نمود که از ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی اینطور استفاده میشود که مقنن خواسته اشاره کند که بطور کلی فقدان اراده موجب عدم مسئولیت است .

با مراجعه به علم طب قانونی میرهن می شود که علل مخرب قوای دماغی را می توان به دسته تقسیم نمود اول فساد قوای دماغی قبل از رشد شخص دوم امراضی که پس از رشد موجب می شود که دستگاه قوای دماغی درست کار نکند . سوم وقتی که شخص بالغ در اثر عوارض موقتی دستخوش اختلالات روحی میشود مثل مستی و

هیپنوتیزم و غیره بدیهی است که تنها اختلالات دماغی دسته اول و دوم داخل مفهوم ماده (۴۰) قانون مجازات عمومی میباشند ولی باید دانست که اگر اختلالات موقتی را نتوان طبق ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی موجب زوال مسئولیت دانست ممکن است محاکم طبق اصول کلی و رعایت یکی از ارکان جرم (قابلیت اسناد) مرتکب جرم را دستخوش اختلالات موقتی و عرضی شده غیر مسئول دانند و یا مجازات او را تخفیف دهند.

گنگی و کری - شخصی که ابتلاء بمرض گنگی و کری داشته باشد در صورتی که واجد قوه ممیزه باشد مسئول جرائمی است که مرتکب می شود ولی چون کری و گنگی دال بر انحطاط و فساد مزاج است و بالنتیجه مانع رشد قوای هوش میشود دادرس ممکن است آنرا موجب تخفیف مجازات قرار دهد قانون آلمان و هنگری بدادرس دستور داده که قبل از صدور حکم محکومیت در مقام تفحص بر آید آیا شخصیکه ابتلاء به کری و گنگی داشته هوش داشته و بالنتیجه نتایج سوء حاصله از اعمال خود را استدراک نموده است یا نه؟

مستی برای تعیین مسئولیت شخص مستی که مرتکب جرم میشود علمای حقوق شقوق زیر را در نظر گرفته اند.

۱ - چنانچه حالت مستی منتهی به هذیان و دیوانگی شود. در اینصورت مرتکب جرم را باید مانند مجنون و مختل المشاعر تلقی نمود و غیر مسئول دانست.

۲ - مستی ساده که گاهی ممکن است اتفاقی باشد و گاهی خطائی و مستی خطائی ممکن است منتهی به مستی تعمدی شود.

مستی اتفاقی که ممکن است آثار سوء آن در مزاج از طرف استعمال کنندنده مسکر پش بینی نشده باشد در صورتی که کامل باشد ایجاب مسئولیت برای مرتکب جرم نمیکند ولی چنانچه حالت بیهوشی شخص مست کامل نباشد موجب تخفیف مجازات او می شود در مستی خطائی نسبت به مسئولیت مرتکب جرم علمای حقوق اتفاق ندارند بعضی معتقدند که مستی نباید موثر در مسئولیت مرتکب جرم واقع شود زیرا معقول نیست حالت مستی که فی حث هو جرم تلقی میشود.